

## شیوه‌های دل‌بسته‌گی و رضایت از ازدواج

دکتر زهره صیادپور

استادیار دانشگاه آزاد تهران جنوب

sayadpour@yahoo.com

### چکیده

رضایت از ازدواج و مفاهیم مرتبط با آن، بیش از هر مفهوم دیگری در روان‌شناسی بررسی شده‌است. این پژوهش نیز برای ارزیابی رابطه‌ی شیوه‌های دل‌بسته‌گی با رضایت از ازدواج انجام شده‌است. هدف اصلی این پژوهش، شناخت یکی از عوامل مؤثر بر میزان رضایت از ازدواج، برای کاهش نرخ طلاق بود. برای دستیابی به این هدف، ۱۰۰ دانش‌جوی زن و مرد همراه با همسران‌شان از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به عنوان نمونه‌ی دردسترس گزیده شدند. تمامی آزمودنی‌ها به دو پرسش‌نامه‌ی شیوه‌ی دل‌بسته‌گی *هازان* و *شیور*، و رضایت از ازدواج *اولسن* (*ابن‌ریخ*) پاسخ دادند. یافته‌ها نشان داد که شیوه‌ی دل‌بسته‌گی اضطرابی دوسوگرا، با رضایت از ازدواج، هم‌بسته‌گی منفی معنادار دارد؛ در حالی که بین شیوه‌های دل‌بسته‌گی ایمن و پرهیزی، با رضایت از ازدواج هم‌بسته‌گی معنادار به دست نیامد. یافته‌ها، نیاز مداخله‌های روان‌شناختی پیش از ازدواج و در طول زنده‌گی زناشویی را تأیید نمودند.

**کلیدواژه‌ها:** شیوه‌های دل‌بسته‌گی؛ دل‌بسته‌گی اضطرابی دوسوگرا؛ دل‌بسته‌گی پرهیزی؛ دل‌بسته‌گی ایمن؛ رضایت از ازدواج؛ دانش‌جو؛

## مقدمه

دنیای ماشینی امروز، با درگیر ساختن انسان‌ها در هزارتوی زنده‌گی صنعتی، و با گسستن شبکه‌ی حمایتی سنتی، گستره‌ی وسیعی از عوامل تنش‌زا را فراسوی انسان قرار داده که زنده‌گی خانواده‌گی وی تحت تأثیر آن قرار گرفته و آمار طلاق افزایش یافته‌است. وجود زوج‌های مطلقه و فرزندان بی‌سرپرست، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، فلاسفه، و تقریباً تمامی بزرگان علم را بر آن داشت تا از زاویه‌ی دید خود سرچشمه‌ی مشکلات روابط زناشویی را بیابند. در این میان، روان‌شناسان با بررسی عوامل مؤثر بر رضایت از زنده‌گی زناشویی کوشیدند تا سهم خود را به جامعه‌ی بشری ادا کنند.

آغازگاه این بررسی‌ها، نخستین کارهای ترمین<sup>۱</sup> (۱۹۳۸) بود. روان‌شناسان برای نخستین بار کوشیدند عواملی را که احساس رضایت افراد را از زنده‌گی مشترک افزایش می‌دهد، شناسایی کنند. نتایج این پژوهش‌ها، از زمان ترمین تا کنون، گروهی از عوامل را تعیین کرده‌است که در سه عنوان کلی دسته‌بندی می‌شود:

۱- عوامل درون‌فردی- مانند ویژه‌گی‌های شخصیتی (فینکنوئر، و هازم،<sup>۲</sup> ۲۰۰۰)، و همانندی سطح هوشی افراد (زالاسکی، و گال‌کوسکا،<sup>۳</sup> ۱۹۷۸).

۲- عوامل بین‌فردی- مانند مهارت حل مشکل (جانسون،<sup>۴</sup> و دیگران، ۲۰۰۵)، شیوه‌های دل‌بسته‌گی (وی، وگل، کو، و زاکالیک،<sup>۵</sup> ۲۰۰۵).

۳- عوامل پیرامونی- مانند سطح برخورداری اقتصادی (دی‌انجلیس،<sup>۶</sup> ۲۰۰۴)، نوع پیشه (فیصل فهد،<sup>۷</sup> ۱۹۹۶).

اما در بین تمامی عوامل شناخته‌شده، شاید نتوان هیچ عاملی را بنیادی‌تر از دل‌بسته‌گی<sup>۸</sup> یافت. این مفهوم که به عنوان یکی از عوامل بین‌فردی بررسی شده‌است، نخستین بار توسط بالبی<sup>۹</sup> به عنوان کشانده‌ئی نخستین ذکر شد. دل‌بسته‌گی، طی نخستین روابط پدر و مادر با کودک ساخته‌می‌شود. سپس، هم‌زمان با تحول، دست‌خوش دگرگونی‌هایی چند می‌شود و به عنوان شیوه‌ئی مشخص، تأثیر خود را بر شیوه‌ی برقراری ارتباط در تمامی جنبه‌ها تا پایان عمر حفظ می‌کند. در واقع، نخستین کش‌ورزی‌های کودک با موضوع دل‌بسته‌گی، موجب شکل‌گیری سامانه‌ئی از رفتارهای دل‌بسته‌گی می‌شود که جزء

1. Terman, L.  
2. Finkenauer, C., & Hazam, H.  
3. Zalasky, Z., & Galkowska, M.  
4. Johnson, M. D.  
5. Wei, M., Vogel, D. L., Ku, T-Y., & Zakalik, R.A.  
6. DeAngelis, T.  
7. Faisal Fahd, Alg.  
8. Attachment  
9. Bowlby, J.



مکمل رفتار انسان از گهواره تا گور به شمار می‌رود. بررسی‌ها نشان داده‌است که گر چه شکل‌گیری دل‌بسته‌گی در انسان‌ها به طور قطع اتفاق می‌افتد، اما چه‌گونه‌گی ارتباط‌های آغازین کودک با پرستار موجب شکل‌گیری شیوه‌های متفاوت دل‌بسته‌گی می‌شود؛ شیوه‌هایی که همه‌گی از نوع ایمن نیست (بالبی، ۱۹۸۰؛ اینس‌ورث، ۱۹۹۱).

بر پایه‌ی یافته‌ی گفته‌شده، اینس‌ورث و دیگران، به جداسازی الگوهای دل‌بسته‌گی بر مبنای تجسمات ذهنی متفاوت پرداختند و دو الگوی دل‌بسته‌گی ایمن، و نایمن یا اضطرابی را از یک‌دیگر بازشناختند. پی‌گیری بررسی‌ها روشن ساخت که افزون بر جدایی بین الگوی دل‌بسته‌گی ایمن<sup>۲</sup> و نایمن، یک جدایی دیگر نیز بین الگوی پرهیزی که الگوهای نایمن را روشن می‌سازد هست. بنابراین، اساس تفاوت‌های فردی در دل‌بسته‌گی، تقابل احساس ایمنی در برابر اضطراب دانسته‌شد؛ جدایی‌ئی که با قدرت و یا اندازه‌ی دل‌بسته‌گی ارتباط نداشت.

بنا بر این بخش‌بندی، وجود الگوی ایمن و روابط دل‌بسته‌گی را می‌توان جست‌وجوی پشتی‌بانی، اطمینان دوباره، و آرامش از سوی فرد به هنگام تنش دانست. جست‌وجویی که دست‌آورد آن چیزی جز آرامش و اطمینان خاطر دوباره نیست و در صورتی رخ می‌دهد که فرد از سوی پرستار پشتی‌بانی شود و پیوند با وی را سودمند ارزیابی کند (اینس‌ورث، ۱۹۹۱). در برابر، الگوهای نایمن اصلی (پرهیزی<sup>۳</sup>، دوسوگرا<sup>۴</sup>) هنگامی رخ می‌دهد که رفتار دل‌بسته‌گی با رانده‌گی، ناپایداری، یا حتی تهدید از سوی موضوع دل‌بسته‌گی روبه‌رو شود. در چنین شرایطی، نگرانی کودک درباره‌ی مسئولیت‌پذیری پرستار می‌تواند سرچشمه‌ی بروز مشکلات باشد. برای کاهش این نگرانی، کودک می‌کوشد تا با دگرگونی در رفتار خود، رفتار موضوع دل‌بسته‌گی را درخور یا کامل کند. به سخن دیگر، این رفتار، راهبردی است برای یک‌سان شدن با محتوای ارتباط (مین، کاپلان، و کسیدی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۵)؛ اما به هر حال نیاز دست‌یافتن به پرستار با این شیوه‌های راهبردی و اضطرابی، رفتار اکتشافی را به خطر می‌اندازد و رفتاری سازش‌نا یافته به شمار می‌آید. الگوهای دل‌بسته‌گی‌ئی که بر پایه‌ی این تمایزهای رفتاری شکل می‌گیرد، از کودکی تا بزرگسالی با هدف دستیابی به موضوع دل‌بسته‌گی حفظ می‌شود (بالبی، ۱۹۸۰).

از سوی دیگر، الگوهای عملی توسط تجارب ارتباطی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، و تجربه‌های زنده‌گی می‌تواند شیوه‌ی دل‌بسته‌گی را دگرگون سازد. پایداری بیش‌تر زنده‌گی زناشویی همسران با دل‌بسته‌گی ایمن، افزایش ایمنی همسران جوان دارای پیوند خوش‌آیند،

1. Ainsworth, M. D. S.

2. Secure

3. Avoidant

4. Ambivalent

5. Main, M., Kaplan, N., & Cassidy, J.

و گرایش به کارکرد پرهیزی پس از قطع روابط دل‌بسته‌گی، این امر را تأیید می‌کند (کرک‌پاتریک، و هازان، ۱۹۹۴). افزون بر این، باید یادآور شد که گر چه الگوهای عملی درونی نسبت به دگرگونی مقاوم اند و به روابط جدید انتقال می‌یابند، اما ارزیابی سودمندی موضوع دل‌بسته‌گی را در روابط بعدی تعیین نمی‌کنند. فرد بر پایه‌ی رفتار شریک کنونی دل‌بسته‌گی‌اش، گستره‌ی از روابط (ایمن تا نایمن) را تجربه می‌کند. بنابراین، الگوهای عملی برای انطباق با روابط جدید بازمینی و به‌روز می‌شود (بالی، ۱۹۸۰). در نتیجه، ایمنی دل‌بسته‌گی، دست‌آورد مبادله‌ی پویای الگوهای عملی درونی و چه‌گونه‌گی روابط دل‌بسته‌گی کنونی است.

پس از کارهای آغازین بالی و اینس‌ورث، همانندی الگوی دل‌بسته‌گی بزرگسال با کودک بارها تأیید شده‌است (جیلات، می‌کولینسر، و شی‌ور، ۲۰۰۱). ویس<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) در تأیید این همانندی، اعلام داشت که ویژه‌گی‌های پیوند کودک-پرستار به بیش‌تر روابط احساسی بدون ازدواج پای‌بندانه و زناشویی افزوده‌می‌شود. در چنین روابطی، شخص احساس آرامش و ایمنی را از همسر/زوج به دست می‌آورد. می‌خواهد با او باشد (به‌ویژه هنگام تنیده‌گی)، و آن‌گاه که زوج او را تهدید به جدایی کند، مخالفت می‌ورزد.

هازان و شی‌ور نیز در پژوهش‌های‌شان با مطرح کردن عشق احساسی، تداوم فرآیند دل‌بسته‌گی را در بزرگسالی تأیید کردند و شکل‌گیری شیوه‌های ارتباطی سه‌گانه‌ی ایمن، پرهیزی، و دوسوگرا را که با سه شیوه‌ی اصلی دل‌بسته‌گی دوره‌ی کودکی برابری دارد، بررسی نمودند (شیور، هازان، و بردشا، ۱۹۸۸).

پس از تعیین شیوه‌های دل‌بسته‌گی، بررسی ویژه‌گی‌های هم‌سان با شیوه‌های مورد نظر شالوده‌ی اصلی پژوهش‌ها را به خود اختصاص داد. بررسی‌ها نشان داد که افراد دارای الگوی عملی درونی ایمن، در جست‌وجوی پشتی‌بان اند، با هم‌راهان پیشین و نوین با رضایت پیوند می‌بندند، و اصول تصمیم‌گیری‌شان برای برقراری ارتباط با دیگران، سبب می‌شود تا به شیوه‌ی مثبت و هویدا رفتار کنند و نیازمند پشتی‌بانی دیگران باشند (بالی، ۱۹۸۰). از ویژه‌گی‌های نمایان این افراد بیان عواطف آنان به شمار می‌آید (دوچارم، دوایل، و مارکیه‌ویچ، ۲۰۰۲). آنان مهربان و گشاده‌روتر از دیگران اند (جیلات، می‌کولینسر، و شی‌ور، ۲۰۰۱). روابط را به شیوه‌ی بسیار مثبت دریافت و تفسیر می‌کنند (سپسون، ۱۹۹۰)، و احساس‌های منفی را با روشی نسبتاً سازنده مهار می‌نمایند. آنان اندوه و ناراحتی را می‌پذیرند؛ برای یافتن

1. Kirkpatrick, L. E., & Hazan, C.  
2. Gillath, O., Mikulincer, M., & Shaver, P. R.  
3. Weiss, R. S.  
4. Bradshaw, D.  
5. Ducharme, J., Doyle, A. B., & Markiewicz, D.  
6. Simpson, J. A.



پشتی‌بان به دیگران روی می‌آورند؛ بر پشتی‌بانی کردن از یاران خود تأکید دارند، اما حد وابسته‌گی را متعادل نگه می‌دارند؛ و روابط را بر پایه‌ی دوستی توصیف می‌کنند (فینی، ۱۹۹۹). برعکس، افرادی که الگوهای عملی درونی نایمن دارند، به دلیل آن که انتظارات ارتباطی‌شان بر مبنای نداشتن اعتماد و اطمینان شکل گرفته‌است، پشتی‌بانی کم‌تری از دیگران انتظار دارند و احتمالاً از منابع حمایت‌کننده می‌ترسند (بالی، ۱۹۸۰)؛ بیش‌تر از افراد ایمن رفتارهای مشکل‌زا از خود می‌دهند؛ رفتارهای وابسته به جنس نامناسب‌تری دارند؛ و در دوران آموزش بازخورد مثبت کم‌تری نسبت به مدرسه نشان می‌دهند (میلر، نوتارو، و زیمرمن، ۲۰۰۲). روابط نامناسب اجتماعی و آسیب‌پذیری هیجانی بیش‌تر در مقابل تنش‌ها نیز، در چنین افرادی، با دل‌بسته‌گی بدون احساس ایمنی ارتباط دارد (کاپلان، و سادوک، ۱۹۹۸).

در گروه افراد نایمن، دوسوگراها، با احساس‌های منفی بسیار زیاد، و با هشیاری و آگاهی بالاتر از دیگران واکنش نشان می‌دهند و به نظر می‌رسد این واکنش‌ها را به عنوان راه‌هایی برای حفظ تماس با پرستاران بی‌ثبات و دم‌دمی‌مزاج یاد گرفته‌اند. این افراد بر خلاف افراد پرهیزی، صمیمیت، پای‌بندی، و عاطفه‌ی بیش‌تری نشان می‌دهند؛ اما این واکنش که از نظر اندازه با واکنش پرهیزی‌ها متفاوت است، به لحاظ چه‌گونه‌گی از دیگر گروه‌ها بهتر نیست (فینی، ۱۹۹۹).

به عبارت دیگر، بررسی ویژه‌گی‌های رفتار دل‌بسته‌گی در بزرگسالان، نشان‌دهنده‌ی همانندی رفتار دل‌بسته‌گی از کودکی تا بزرگسالی است، و تنها تفاوت موجود بین دل‌بسته‌گی بزرگسالی و کودکی این است که نظام رفتاری دل‌بسته‌گی در بزرگسال دوسویه است. به سخن دیگر، همسران بزرگسال تنها در نقش موضوع دل‌بسته‌گی یا پرستار، و یا در نقش فرد دل‌بسته یا پرستاری‌شونده پدیدار نمی‌شوند؛ همسران بین دو نقش پرستار و پرستاری‌شونده تغییر نقش می‌دهند (شی‌ور، و دیگران، ۱۹۸۸؛ ایس‌ورث، ۱۹۹۱). بنابراین، انتقال شیوه‌های دل‌بسته‌گی موجود بین کودک و پدر یا مادر به روابط بین همسران در بزرگسالی، می‌تواند روابط موجود بین همسران را تحت تأثیر قرار دهد و میزان رضایت آنان را از ارتباط و در نهایت از ازدواج پیش‌بینی کند (شی‌ور، و بره‌نان، ۱۹۹۲).

بررسی‌ها در تأیید این نظر نشان داده‌است سردی در روابط که با شیوه‌های دل‌بسته‌گی متفاوت برابری دارد، با سه راهبرد پرهیز، قطع ارتباط، و جدایی، از مفاهیم کیفی بنیادی در رضایت از ازدواج به شمار می‌آید (هس، ۲۰۰۲). این راهبردها با ویژه‌گی‌های شیوه‌ی دل‌بسته‌گی پرهیزی (نایمن) برابری دارد و نقطه‌ی مقابل روابط گرمی است که افراد ایمن

1. Feeney, J. A.
2. Miller, A. L., Notaro, P. C., & Zimmerman, M. A.
3. Kaplan, H. I., & Sadock, B. I. J.
4. Brennan, K.A.

با ابراز صمیمیت برای برقراری آن می‌کوشند (فینی، ۱۹۹۹). در واقع، افراد ایمن با ابراز صمیمیت و بیان عواطف خود بر پایه‌ی عشق و دوستی شرایطی را فراهم می‌آورند که موجب برخورداری بیشتر آنان از احساس رضایت می‌شود (سمپسون، ۱۹۹۰؛ فینی، ۱۹۹۹)؛ در حالی که افراد پرهیزی و دوسوگرا، با فاصله گرفتن عاطفی و اضطراب، کیفیت ارتباط زناشویی را منفی ارزش‌گذاری می‌کنند. این ارزش‌گذاری منفی بیشتر در زنان دوسوگرا و مردان پرهیزی دیده می‌شود (کالینز، و رید، ۱۹۹۰؛ کرک‌پاتریک، و هازان، ۱۹۹۴).

پای‌بندی در روابط نیز از دیگر ابعاد ارتباطی است که موجب می‌شود افراد ارتباط را حفظ یا آن را ترک کنند. پای‌بندی با ۱۰ معیار شناسایی می‌شود: نشان دادن عواطف؛ پستی‌بانی کردن؛ راست‌گو بودن؛ تقسیم دوستی؛ کوشش برای برقراری ارتباط؛ احترام گذاشتن؛ پدید آوردن آینده‌ی ارتباطی؛ ساختن فضای ارتباطی مثبت؛ کار مشترک روی مشکلات ارتباطی؛ و بیان کردن پای‌بندی. بدین سان، پای‌بندی در روابط به روابط معنا می‌دهد، آن را استوار می‌سازد، و با رضایت هم‌راهش می‌گرداند (ویگل، و بالارد-ریش، ۲۰۰۲). بررسی‌ها نشان داده‌است که شیوه‌ی ایمن با سطوح بالای اطمینان، پای‌بندی، رضایت، و وابستگی درونی همراه است (سمپسون، ۱۹۹۰). بنابراین شیوه‌ی دل‌بسته‌گی ایمن با افزایش پای‌بندی، شرایط لازم را برای احساس رضایت فراهم می‌سازد.

حل تعارض از دیگر ابعاد ارتباطی است که بر میزان رضایت از روابط تأثیر می‌گذارد. بر پایه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده، تعارض از یک سو به عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت از روابط در همسران شناخته‌شده (کری‌مر، ۲۰۰۲؛ کمپل، سمپسون، بولدری، و کشی، ۲۰۰۵)، و از سوی دیگر، حل تعارض یکی از عوامل مرتبط با شیوه‌های دل‌بسته‌گی دانسته‌شده‌است که به‌شدت تحت تأثیر شیوه‌های دل‌بسته‌گی قرار دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌است که افراد با دل‌بسته‌گی ایمن حتا در موقعیتی تعارضی مانند جدایی، از نامنی کم‌تری برخوردار اند و راهبردهایی سازنده‌تر برای رویارویی با تعارض ارائه می‌دهند. افراد ایمن جدایی را، در بسیاری از موارد، به عنوان شرایطی درک می‌کنند که به‌راستی روابط همسران را توان‌مندتر می‌سازد (فینی، ۱۹۹۹). به‌کارگیری چنین راهبردهای سازنده‌ئی کمک می‌کند تا افراد ایمن بر حمایت از علائق خود و افزایش کیفیت ارتباطی‌شان متمرکز شوند (پیستول، ۱۹۸۹) و رضایت بیشتری از روابط خود به دست آورند.

1. Collins, N. L., & Read, S. J.
2. Weigel, D. J. I., & Ballard-Reisch, D. S.
3. Cramer, D.
4. Campbell, L., Simpson, J. A., Boldry, J., & Kashy, D. A.
5. Pistole, M. C.



کابک<sup>۱</sup> و هازان در بررسی‌های خود در شرایط آزمایشگاهی (حل مسأله) نشان دادند که مردان ایمن، از خودراندن کمتر و پشتی‌بانی بیش‌تری ارائه می‌کنند، و زنان ایمن کمتر از سوی مردانشان رانده می‌شوند (کبک، و هازان، ۱۹۹۱). بنابراین، باید پذیرفت که به طور کلی، افراد ایمن کمتر درگیر تعارض می‌شوند و بیش‌تر مثبت رفتار می‌کنند.

رضایت از روابط جنسی نیز یکی دیگر از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم کیفیت روابط و پایداری آن است (اسپری‌چر، و مک‌کنی، ۱۹۹۳). شیوه‌های دل‌بسته‌گی در تعیین روابط جنسی نقش بارزی دارند. در بین شیوه‌های دل‌بسته‌گی متفاوت، افراد ایمن گرایش کم‌تری دارند تا در روابط جنسی ناپایدار (یک‌شبه) درگیر شوند، یا پیش از داشتن ارتباط قبلی، روابط جنسی داشته‌باشند. این افراد، بیش‌تر خواهان اند که درگیر روابطی جنسی شوند که دوسویه شکل گرفته‌باشد تا بتوانند از تماس جسمی لذت ببرند؛ در حالی که افراد پرهیزی خواهان تجربه‌ی فعالیت‌های بدون صمیمیت روان‌شناختی (روابط جنسی یک‌شبه، روابط بیش از اندازه‌ی جنسی، و روابط جنسی بی‌عشق) اند. این افراد از تماس جسمانی کم‌تر لذت می‌برند و روابط جنسی بدون عشق را لذت‌بخش‌تر می‌دانند. در این گروه، زنان گرایش کم‌تری برای درگیر شدن در مسائل جنسی دارند (برهان، و شی‌ور، ۱۹۹۵).

در مقابل، زنان دوسوگرا گرایش بیش‌تر به عورت‌نمایی، تماشاگری جنسی، و سلطه‌جویی / سلطه‌پذیری دارند؛ در حالی که مردان دوسوگرا به لحاظ جنسی تودارتر اند و مانند زنان پرهیزی، گرایش کمی برای برقراری روابط جنسی دارند. با این حال، در افراد دوسوگرا، هر دو جنس از نگه داشتن و نوازش کردن همسر خود لذت می‌برند (هازان، زلفمن، و میدلتون، ۱۹۹۹). بنابراین، با توجه به گرایش نداشتن زنان پرهیزی و مردان دوسوگرا به ارتباط جنسی از یک سو، و درگیر شدن در روابط جنسی ناپایدار افراد پرهیزی از سوی دیگر، باید پذیرفت که شیوه‌ی دل‌بسته‌گی بر بازخوردها و رفتارهای جنسی هر دو تأثیر می‌گذارد (برهان، و شی‌ور، ۱۹۹۵). بدین سان، باید پذیرفت که شیوه‌های دل‌بسته‌گی، با تأثیر بر ابعاد مختلف ارتباطی، صمیمیت، پای‌بندی، و روابط جنسی مناسب (کردی، ۲۰۰۲)، پیش‌بینی‌کننده‌های مهمی در تعیین میزان رضایت از ارتباط اند (کالینز، و رید، ۱۹۹۰).

اما شیوه‌های دل‌بسته‌گی، افزون بر تأثیرگذاری بر ارتباط، عاملی مهم در شیوه‌ی گزینش همسران نیز به شمار می‌آید. بررسی‌ها نشان داده‌است که افراد گرایش کم‌تری برای برقراری ارتباط با زوجی نایمن دارند؛ در حالی که افراد نایمن، به‌ویژه پرهیزی‌ها، به زوجی با شیوه‌ی دل‌بسته‌گی پرهیزی، کم‌تر از زوجی دوسوگرا گرایش دارند. (پی‌یتروموناکو، و کارنلی، ۵

1. Kobak, R. R.
2. Sprecher, S., & McKinney, K.
3. Hazan, C., Zelfman, D., & Middleton, K.
4. Craddock, A. E.
5. Pietromonaco, P. R., & Carnelly, K. B.

۱۹۹۴). زنان دوسوگرا نیز کم‌تر به سوی مردان پرهیزی کشیده می‌شوند. برای زنان دوسوگرا، مردان ایمن و دوسوگرا کشش بیش‌تری دارند. در مورد مردان پرهیزی نیز بررسی‌ها نشان داده‌است که کشش افراد ایمن و دوسوگرا بیش‌تر است (فینی، نولر، و کالان، ۱۹۹۴). هرچند بررسی‌ها نشان داده‌است که افراد با شیوه‌های دل‌بستگی متفاوت نسبت به شیوه‌هایی به‌خصوص گرایش بیش‌تری دارند، اما این بدان معنا نیست که زنده‌گی زناشویی همسرانی که به لحاظ شیوه‌ی دل‌بستگی‌شان گرایش کم‌تری به یک‌دیگر دارند پایداری چندانی نداشته‌باشد. بیش‌تر این زوجها زنده‌گی‌شان را بی رضایت از زنده‌گی مشترک پی می‌گیرند، و در واقع، به زنده‌گی‌شان بی شادمانی ادامه می‌دهند (کرک‌پاتریک، و هازان، ۱۹۹۴). نکته‌ئی دیگری که باید یادآوری شود این است که هرچند چه‌گونه‌گی ارتباط بین همسران بیش‌تر بر پایه‌ی تجارب دل‌بستگی دوره‌ی کودکی شکل می‌گیرد، با این همه، در طول زنده‌گی مشترک نیز از شرایط پیرامونی و نوع برقراری ارتباط زوج مقابل تأثیر می‌پذیرد. در واقع، ماهیت روابط بین همسران دربردارنده‌ی وابسته‌گی دوسویه و رویارویی است که می‌تواند بر روابط بین همسران اثر گذارد (باترفلد، و لويس، ۲۰۰۲). بدین سان، ارزیابی روابط با شیوه‌های دل‌بستگی متفاوت، در عین حال، به فرد و به زوج، هر دو مرتبط است (پی‌تروموناکو، و کارنلی، ۱۹۹۴).

بر پایه‌ی بررسی‌های گفته‌شده، این پژوهش برای روشن ساختن ارتباط بین شیوه‌ی دل‌بستگی و رضایت از ازدواج انجام شده‌است. بررسی ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش‌ها، نشان‌دهنده‌ی آن است که شیوه‌های دل‌بستگی در طول تحول تقریباً دست‌نخورده می‌ماند، و کیفیت برقراری روابط انسانی افراد، و در نتیجه میزان رضایت آنان از ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اینسورث، ۱۹۹۱؛ بالی ۱۹۸۰؛ کالینز، و رید، ۱۹۹۰؛ اسپری‌چر، و مک‌کنی، ۱۹۹۳؛ میلر، ناتارو، زمبرن، ۲۰۰۲؛ کری‌مر، ۲۰۰۲؛ باترفلد، و لويس، ۲۰۰۲)، و هرچند که، کیفیت ارتباط بین همسران بیش‌تر بر پایه‌ی تجارب دل‌بستگی دوره‌ی کودکی شکل می‌گیرد، با این حال، در طول زنده‌گی مشترک نیز از شرایط پیرامونی و نوع برقراری ارتباط زوج مقابل تأثیر می‌پذیرد و می‌تواند روابط موجود بین همسران را تحت تأثیر قرار دهد (باترفلد، و لويس، ۲۰۰۲). بدین سان، ارزیابی روابط با شیوه‌های دل‌بستگی متفاوت، در عین حال، به فرد و به زوج مقابل، هر دو مرتبط است (پی‌تروموناکو، و کارنلی، ۱۹۹۴).

افزون بر این، هر شیوه‌ی دل‌بستگی نسبت به برخی از شیوه‌های دل‌بستگی گرایش بیش‌تری دارد (پی‌تروموناکو، و دیگران، ۱۹۹۴) و این مسأله نیز میزان رضایت همسران را از ازدواج تحت تأثیر قرار می‌دهد (کرک‌پاتریک، و هازان، ۱۹۹۴). برای نمونه، اثر مثبت شیوه‌ی





دل‌بسته‌گی ایمن بر رضایت از ازدواج تأییدشده است (شی‌ور، و بره‌نان، ۱۹۹۲؛ فینی، ۱۹۹۹؛ پی‌تروموناکو، و کارنلی، ۱۹۹۴).

بدین سان، می‌توان انگاره‌های زیر را مطرح ساخت:

- شیوه‌ی دل‌بسته‌گی ایمن در هر دو زوج، رضایت از ازدواج را افزایش می‌دهد.
- شیوه‌ی دل‌بسته‌گی پرهیزی در هر دو زوج، رضایت از ازدواج را کاهش می‌دهد.
- شیوه‌ی دل‌بسته‌گی اضطرابی دوسوگرا در هر دو زوج، رضایت از ازدواج را کاهش می‌دهد.

### روش پژوهش

در این پژوهش بر پایه‌ی طرح‌های پس‌رویدادی، ارتباط بین شیوه‌های دل‌بسته‌گی و رضایت از ازدواج بررسی شد. به دلیل در دسترس نبودن آمار کل دانش‌جویان همسردار دانشکده‌های مورد نظر<sup>۱</sup>، ۲۰۰ دانشجوی همسردار از دانشکده‌های تربیت معلم، و مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، به عنوان نمونه‌ی در دسترس گزیده‌شدند و به پرسش‌نامه‌های پژوهش پاسخ دادند (جدول ۱).

جدول ۱- حجم نمونه

کل	زن		مرد		زوج‌ها
	همسر	آزمودنی	همسر	آزمودنی	دانشکده
۱۰۰	۴۰	۴۰	۱۰	۱۰	تربیت معلم
۱۰۰	۳۳	۳۳	۱۷	۱۷	مدیریت و حسابداری

ابزارهای ارزش‌یابی این پژوهش، نمونه‌ی کوتاه‌شده‌ی پرسش‌نامه رضایت از ازدواج (اولسن) و پرسش‌نامه‌ی شیوه‌ی دل‌بسته‌گی (هازان و شی‌ور) بود که به صورت گروهی اجرا شد. پرسش‌نامه‌ی اولسن ابزاری توان‌مند برای بررسی مشکلات زوج‌ها از خلال چهار بعد ارتباطی (رضایت از ازدواج، ارتباط، حل تعارض، و تحریف آرمان‌گرایانه) است (فورنی‌یر، اولسن، و دراکن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳).

در این آزمون ۳۷ گزینه بررسی می‌شود. سه مقیاس نخست، هر یک با ده پرسش، و مقیاس آخر با هفت پرسش، سطح کلی رضایت از ازدواج را می‌سنجد. پاسخ‌دهندگان باید درجه‌ی موافقت یا مخالفت خود را با گزینه‌ها با مقیاسی پنج‌درجه‌ئی (بسیار موافق،

۱. ناگفته نماند که از آن‌جا که سال‌های زنده‌گی مشترک دانش‌جویان به عنوان متغیر کنترل در این پژوهش نیامده‌است، بنابراین جامعه‌ی آماری این پژوهش، دربرگیرنده‌ی همه‌ی دانش‌جویان همسردار خواهد بود. افزون بر این، بی‌گمان شماری از این دانش‌جویان پس از ثبت‌نام در دانشگاه ازدواج کرده‌اند؛ به همین رو، آمار دقیقی از شمار این دانش‌جویان در دست نیست.

2. Fournier, D. G., Olson, D. H., & Druckman, J. M.

موافق، بی‌تفاوت، مخالف، و بسیار مخالف) تعیین کنند. بدین سان، بیشترین نمره‌ی که آزمودنی می‌تواند از این پرسش‌نامه به‌دست آورد ۱۸۵ و کم‌ترین آن ۳۷ است. بررسی پایایی<sup>۱</sup> نمونه‌ی کوتاه‌شده‌ی این پرسش‌نامه نشان‌دهنده‌ی پایایی بالای این مقیاس است (جدول ۲).

جدول ۲- پایایی مقیاس کوتاه‌شده‌ی اولسن (نمونه‌ی خارجی)

مقیاس	میانگین زوج‌ها	انحراف معیار	دامنه	ضریب آلفا	بازآزمایی آزمون
رضایت زناشویی	۳۱٫۵	۸٫۵	۱۰ - ۴۸	۰٫۸۶	۰٫۸۶
ارتباط	۳۱٫۰	۹٫۰	۱۰ - ۴۶	۰٫۹۰	۰٫۸۱
حل تعارض	۲۹٫۷	۷٫۳	۱۰ - ۴۷	۰٫۸۴	۰٫۹۰
تحریف آرمان‌گرایانه	۲۰٫۵	۶٫۶	۷ - ۳۵	۰٫۸۳	۰٫۹۲

میانگین از نمونه‌ی با ۴۰۱۳۳ زوج به دست آمده‌است.

پرسش‌نامه‌ی رضایت از ازدواج اولسن در ایران نیز با ۳۰۰ آزمودنی انجام شده و پایایی آن به دست آمده‌است. یافته‌ها نشان‌گر پایایی با ضریب آلفای ۰٫۸۶۲۶ است (جدول ۳). بنابراین، اهمیت وجود هر ۴ مقیاس در ارزیابی رضایت از ازدواج در نمونه‌ی ایرانی نیز تأیید می‌شود.

جدول ۳- پایایی پرسش‌نامه‌ی رضایت از ازدواج (نمونه‌ی ایرانی)

مقیاس	میانگین در صورت حذف مقیاس	واریانس در صورت حذف مقیاس	هم‌بستگی مقیاس با هم‌بستگی کل	ضریب آلفا در صورت حذف مقیاس
رضایت زناشویی	۹۵٫۹۲	۲۳۶٫۷۹	۰٫۸۲	۰٫۸۴
ارتباط	۹۷٫۲۴	۲۴۳٫۲۵	۰٫۷۸	۰٫۸۵
حل تعارض	۱۰۰٫۱۵	۲۸۶٫۳۳	۰٫۷۹	۰٫۸۶
تحریف آرمان‌گرایانه	۱۰۶٫۶۵	۲۷۲٫۵۲	۰٫۷۹	۰٫۸۵

پرسش‌نامه‌ی هازان و شی‌ور نیز که برای سنجش دل‌بستگی افراد به کار گرفته‌شد دو بخش دارد. در بخش نخست، آزمودنی‌ها به سه بند اصلی پرسش‌نامه بر مبنای مقیاس هفت‌درجه‌ی به گویه‌های توصیفی ارزش‌دهی می‌کنند. در بخش دوم، آزمودنی‌ها دوباره یکی از سه توصیف پیشین را بررسی می‌کنند و یکی را که دارای بیش‌ترین همانندی با ویژه‌گی‌های‌شان است برمی‌گزینند. با پاسخ‌گویی به این سه بخش، سه نمره به دست می‌آید. نخستین نمره میزان دل‌بستگی پرهیزی، دومین نمره میزان دل‌بستگی اضطرابی دوسوگرا، و سومین نمره میزان دل‌بستگی ایمن را نشان می‌دهد.



در بخش دوم پرسش‌نامه، آزمودنی به‌گزینه‌های اجباری توصیفی می‌پردازد که همانندی بیشتری با ویژه‌گی‌اش دارد. بدین سان، نمره‌های ۱، ۲، و ۳ در این بخش، مقیاس‌های اسمی دل‌بسته‌گی پرهیزی، اضطرابی دوسوگرا، و ایمن است. بازگزینه سه توصیف مورد نظر در بخش نخست، برای تأیید نتایج بخش نخست انجام می‌پذیرد. اگر نتایج این بخش با بخش نخست هم‌آهنگ نباشد، می‌توان از نوعی سازمان‌نیافته‌گی در شکل‌گیری شیوه‌ی دل‌بسته‌گی سخن گفت.

پایایی پرسش‌نامه‌ی هازان و شی‌ور با به‌کارگیری بازآزمایی آزمون در پژوهش‌های فراوانی ثابت شده‌است. برای نمونه، در مورد سنجش مقوله‌ئی، ثبات آزمون-بازآزمایی ۰/۷۰ (هم‌ارز ۰/۴۰ ضریب هم‌بسته‌گی پی‌یرسون)، و در مقیاس‌های پیوسته با درجه‌بندی توصیفی در محدوده‌ی زمانی ۱ تا ۸ هفته، پایایی ۰/۶۰ برآورد شده‌است (فینی، ۱۹۹۶). در پژوهشی در ایران (باکدامن، ۱۳۸۰) نیز، بازآزمایی آزمون با فاصله‌ی یک ماه انجام شد و در هر نوبت نتایج با یک‌دیگر هم‌آهنگ و از ضریب هم‌بسته‌گی بالایی برخوردار بود. انجام آزمون t در مورد دو اجرای یکم و دوم بخش نخست برای کل آزمودنی‌ها نشان‌دهنده‌ی تفاوت نداشتن نتایج در دو اجرا و گویای پایایی در سطح ۰/۹۵ بود؛ اما با توجه به هم‌بسته‌گی بین نتایج دو اجرا، دل‌بسته‌گی اضطرابی دوسوگرا قابل‌اعتمادترین توصیف بود، و سپس دل‌بسته‌گی پرهیزی، و پس از آن دل‌بسته‌گی ایمن قرار گرفت. آلفای کرون‌باخ در بررسی ۱۰۰ آزمودنی، پایایی ۰/۷۸۹۸ را تأیید کرد که نشان‌گر پایایی نسبتاً بالای این آزمون است (جدول ۴).

جدول ۴- نتایج آزمون t برای سنجش پایایی پرسش‌نامه‌ی هازان و شی‌ور

متغیر	شمار زوج‌ها	نوبت اجرا	میانگین	انحراف معیار	هم‌بسته‌گی	ضریب آلفا	t	df	معناداری t
دل‌بسته‌گی پرهیزی	۱۰۰	۱	۲/۲۶	۱/۹۵	۰/۵۶	۰/۰۰۱	-۱/۸۴	۹۹	۰/۰۷
		۲	۲/۶۱	۲/۱۰					
دل‌بسته‌گی اضطرابی دوسوگرا	۱۰۰	۱	۲/۰۱	۲/۱۴	۰/۷۲	۰/۰۰۱	-۰/۲۶	۹۹	۰/۷۹
		۲	۲/۹۷	۱/۸۹					
دل‌بسته‌گی ایمن	۱۰۰	۱	۲/۴۷	۱/۹۸	۰/۲۷	۰/۰۰۱	۱/۲۴	۹۹	۰/۲۲
		۲	۲/۷۴	۱/۸۸					

روایی<sup>۱</sup> این پرسش‌نامه نیز در نمونه‌ی ایرانی با بررسی میزان هم‌بسته‌گی سه توصیف اصلی بخش نخست در نمونه‌ئی ۱۰۰ نفری از آزمودنی‌ها به استناد روایی و اگر<sup>۲</sup> بررسی شد. نتایج نشان داد که سه توصیف پرسش‌نامه سه محتوای جداگانه را می‌سنجند. هم‌بسته‌گی

1. Validity

2. Discriminant Validity

دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲  
بهار و تابستان ۱۳۸۴

دل‌بسته‌گی ایمن با دل‌بسته‌گی پرهیزی ۰/۰۱-، دل‌بسته‌گی ایمن با دل‌بسته‌گی اضطرابی دوسوگرا ۰/۰۵-، و دل‌بسته‌گی پرهیزی با دل‌بسته‌گی اضطرابی دوسوگرا ۰/۱۵ بود که بسیار کم است (جدول ۵).

جدول ۵- سنجش روایی واگرا بر پایه‌ی ضرایب هم‌بسته‌گی سه شیوه‌ی دل‌بسته‌گی در پرسش‌نامه‌ی هازان و شی‌ور  
(شمار نمونه = ۱۰۰)

شیوه‌ی دل‌بسته‌گی	پرهیزی	اضطرابی دوسوگرا	ایمن
پرهیزی		R = ۰/۱۴۸۴ P = ۰/۱۴۰	R = -۰/۰۱۰۹ P = ۰/۲۷۶
اضطرابی دوسوگرا			R = -۰/۰۴۷۹ P = ۰/۰۰۰
ایمن			

### یافته‌ها

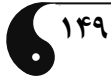
برای تحلیل داده‌های پژوهش با اتکا به روش ضریب هم‌بسته‌گی پی‌یرسون، ارتباط بین مؤلفه‌های سازنده‌ی رضایت از ازدواج با شیوه‌های دل‌بسته‌گی (ایمن، اضطرابی دوسوگرا، و پرهیزی) بررسی شد. نتایج نشان داد که بین رضایت کلی از ازدواج و شیوه‌ی دل‌بسته‌گی اضطرابی دوسوگرا در کل آزمودنی‌ها ارتباط منفی معنادار در سطح ۰/۰۰۱ وجود دارد؛ اما در مورد دو شیوه‌ی دیگر دل‌بسته‌گی (ایمن و پرهیزی)، تحلیل هم‌بسته‌گی داده‌ها مبنی بر عدم وجود ارتباط بین این دو شیوه و رضایت از ازدواج بود (جدول ۶).

جدول ۶- نتایج هم‌بسته‌گی پی‌یرسون بین رضایت کلی از ازدواج و شیوه‌های دل‌بسته‌گی در آزمودنی‌ها به طور کلی  
(شمار آزمودنی‌ها = ۲۰۰)

شیوه‌های دل‌بسته‌گی		شاخص‌های آماری	متغیر
ایمن	اضطرابی دوسوگرا		
۰/۴۶۰	-۰/۲۲۵ **	هم‌بسته‌گی پی‌یرسون	رضایت کلی از ازدواج
۰/۵۱۶	۰/۰۰۱	معناداری (دورشته‌نی)	

\*\* ۰/۰۱ < P

نتایج تفکیک نمره‌های زنان و مردان در پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌های رضایت از ازدواج و شیوه‌های دل‌بسته‌گی، و بررسی نتایج آن بر حسب ضریب هم‌بسته‌گی پی‌یرسون،



نشان‌دهنده‌ی وجود ارتباط منفی معنادار بین شیوه‌ی دل‌بستگی اضطرابی دوسوگرا و رضایت از ازدواج در مردان با سطح خطای ۰/۰۱ بود؛ در دیگر موارد، ارتباطی بین شیوه‌های دل‌بستگی و رضایت از ازدواج دیده‌نشده (جدول ۷).

جدول ۷- نتایج هم‌بستگی پی‌یرسون بین رضایت کلی از ازدواج و شیوه‌های دل‌بستگی به تفکیک دو جنس  
(شمار آزمودنی‌ها، زن = ۱۰۰، مرد = ۱۰۰)

شیوه‌های دل‌بستگی					
متغیر	جنسیت	شاخص‌های آماری	پرهیزی	اضطرابی دوسوگرا	ایمن
رضایت کلی از ازدواج	زن	هم‌بستگی پی‌یرسون معناداری (دورشته‌نی)	۰/۰۶۶-	۰/۱۵۸-	۰/۰۳۸-
	مرد	هم‌بستگی پی‌یرسون معناداری (دورشته‌نی)	۰/۰۲۶-	۰/۰۳۶**	۰/۰۵۱-
			۰/۸۰۰	۰/۰۰۲	۰/۶۱۴-

\*\* ۰/۰۱ < P

بررسی ارتباط مؤلفه‌های سازنده‌ی رضایت از ازدواج (رضایت از ازدواج، ارتباط، حل تعارض) با شیوه‌های دل‌بستگی، نشان‌دهنده‌ی وجود ارتباط بین این مؤلفه‌ها با شیوه‌ی دل‌بستگی اضطرابی دوسوگرا بود. هم‌بستگی به‌دست‌آمده، در مؤلفه‌ی نخست، با ۰/۰۵ خطا، و در دو مؤلفه‌ی دیگر، با ۰/۰۱ خطا تأیید شد. اما هیچ یک از هم‌بستگی‌های به‌دست‌آمده ارتباطی را میان مؤلفه‌های رضایت از ازدواج با دو شیوه‌ی دل‌بستگی ایمن و پرهیزی نشان نداد (جدول ۸).

جدول ۸- نتایج هم‌بستگی پی‌یرسون بین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی رضایت کلی از ازدواج و شیوه‌های دل‌بستگی در آزمودنی‌ها به طور کلی  
(شمار آزمودنی‌ها = ۲۰۰)

شیوه‌های دل‌بستگی				
متغیرها	شاخص‌های آماری	پرهیزی	اضطرابی دوسوگرا	ایمن
رضایت از ازدواج	هم‌بستگی پی‌یرسون معناداری (دورشته‌نی)	۰/۰۹۱-	۰/۱۷۵*	۰/۰۲۴-
	هم‌بستگی پی‌یرسون معناداری (دورشته‌نی)	۰/۱۹۹-	۰/۰۱۳	۰/۷۳۷-
ارتباط	هم‌بستگی پی‌یرسون معناداری (دورشته‌نی)	۰/۰۳۶-	۰/۲۴۰**	۰/۰۱۸-
	هم‌بستگی پی‌یرسون معناداری (دورشته‌نی)	۰/۶۰۹-	۰/۰۰۱	۰/۸۰۱-
حل تعارض	هم‌بستگی پی‌یرسون معناداری (دورشته‌نی)	۰/۰۰۰-	۰/۲۴۱**	۰/۰۰۷-
	هم‌بستگی پی‌یرسون معناداری (دورشته‌نی)	۰/۹۹۸-	۰/۰۰۱	۰/۹۲۵-

\* ۰/۰۵ < P / \*\* ۰/۰۱ < P

از آن‌جا که همانندی یا تفاوت شیوه‌های دل‌بستگی همسران با یکدیگر بر میزان رضایت آنان از ازدواج تأثیر می‌گذارد، برای دریافت تحلیلی روشن‌تر از نتایج، هم‌بستگی بین شیوه‌های دل‌بستگی همسران نیز بررسی شد. یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی وجود ارتباط مثبت میان شیوه‌های دل‌بستگی آن‌ها بود. ۹۵ درصد از آزمودنی‌هایی که شیوه‌ی دل‌بستگی پرهیزی داشتند و ۹۹ درصد از آن‌ها که شیوه‌ی دل‌بستگی‌شان اضطرابی دوسوگرا بود، همسرانی با شیوه دل‌بستگی همانند داشتند. در این میان، تنها ۹۵ درصد از مردان ایمن همسران‌شان دارای شیوه‌ی دل‌بستگی پرهیزی بودند (جدول ۹).

جدول ۹- هم‌بستگی بین شیوه‌های دل‌بستگی همسران  
(شمار آزمودنی‌ها، زن = ۱۰۰، مرد = ۱۰۰)

زن		مرد	
شیوه‌ی دل‌بستگی	پرهیزی	اضطرابی دوسوگرا	ایمن
R = ۰/۰۶۵ P = ۰/۵۲۰	R = ۰/۱۹۴ P = ۰/۰۵۳	R = ۰/۲۳۲ * P = ۰/۰۲۰	R = ۰/۰۵۵ P = ۰/۵۸۹
R = ۰/۰۷۸ P = ۰/۴۴۱	R = ۰/۳۲۸ ** P = ۰/۰۰۱	R = ۰/۲۰۷ * P = ۰/۰۳۹	R = ۰/۰۷۳ P = ۰/۶۱۲

\* P < ۰/۰۵ / \*\* P < ۰/۰۱

### واکوی و بررسی یافته‌ها

اهمیت حفظ بنیان خانواده در جامعه‌ی صنعتی امروز، بررسی عوامل مؤثر بر رضایت از ازدواج را بیش از پیش برجسته ساخته‌است. از این رو، در پژوهش کنونی ارتباط شیوه‌های دل‌بستگی با میزان رضایت از ازدواج را بررسی نمودیم. یافته‌ها نشان داد که در میان آزمودنی‌ها، با چشم‌پوشی بر جنسیت آنان، رضایت کلی از ازدواج ارتباطی با شیوه‌ی دل‌بستگی ایمن و پرهیزی ندارد (جدول ۶).

در ظاهر، همسران با شیوه‌ی دل‌بستگی ایمن، به دلیل برخورداری از توانایی‌هایی همچون ابراز صمیمیت و واگویی عواطف مبتنی بر عشق، دوستی، پای‌بندی، و به‌کارگیری راهبردهای حل تعارض، باید احساس رضایت بیش‌تری از زنده‌گی مشترک خود داشته‌باشند (بیستول، ۱۹۸۹؛ فینی، ۱۹۹۹؛ سمپسون، ۱۹۹۰؛ اسپری‌چر، و مک‌کنی، ۱۹۹۳؛ ویگل، و بالارد-ریش، ۲۰۰۲)؛ اما ابراز رضایت از زنده‌گی مشترک، افزون بر شیوه‌ی دل‌بستگی، در روابط دوسویه‌ی همسران نیز ریشه دارد (بارفلد، و لویس، ۲۰۰۲). افراد ایمن با داشتن همسرانی با شیوه‌ی دل‌بستگی همانند



می‌توانند از احساس رضایت برخوردار شوند (پی‌تروموناکو، و کارلی، ۱۹۹۴)؛ در حالی که ضریب هم‌بسته‌گی میان شیوه‌های دل‌بسته‌گی همسران نشان داد که شیوه‌ی دل‌بسته‌گی زنان ایمن ارتباطی معنادار با شیوه‌های سه‌گانه‌ی دل‌بسته‌گی مردان ندارد (جدول ۹).

بدین سان، همسران زنان ایمن از شیوه‌های دل‌بسته‌گی متفاوتی برخوردار اند. در چنین شرایطی، رضایت کلی افراد به خاطر همراه شدن با شیوه‌های نایمن (پرهیزی و اضطرابی دوسوگرا) کاهش یافته‌است. بنابراین، به نظر می‌رسد نتایج هم‌بسته‌گی‌ها، به دلیل عدم گزینش کامل مردان ایمن از سوی زنان ایمن، تعدیل شده و هم‌بسته‌گی‌ها معناداری خود را از دست داده‌است.

در مورد مردان ایمن، با توجه به ضرایب هم‌بسته‌گی به‌دست‌آمده، ۹۵ درصد از همسران این مردان شیوه‌ی دل‌بسته‌گی پرهیزی دارند (جدول ۹). در کنار هم بودن این شیوه‌ها، هم‌چنان که پیش‌تر نیز گفته‌شد، سطح کلی رضایت از ازدواج را به خاطر ناهمانندی ویژه‌گی‌های فردی و اجتماعی این دو شیوه کاهش می‌دهد. بنابراین، بر پایه‌ی یافته‌ها نمی‌توان چشم داشت که افراد ایمن نمونه‌ی بررسی‌شده از زنده‌گی‌شان با هم خوشنود باشند.

افراد پرهیزی نیز به این دلیل که به برقراری روابط هم‌دلانه‌گرایش چندانی ندارند، از تماس بدنی لذت نمی‌برند، با راهبردهای حل مسأله‌ آشنایی اندکی دارند، و از پای‌بندی کم‌تری در روابط بین‌فردی برخوردار اند (سمپسون، ۱۹۹۰؛ برهان، و شی‌ور، ۱۹۹۵؛ هازان، و دیگران، ۱۹۹۹؛ کری‌مر، ۲۰۰۲). در زنده‌گی مشترک خود احساس ناامنی می‌کنند و با فاصله گرفتن از دیگران نمی‌بایست از احساس رضایت بالایی برخوردار باشند. اما یافته‌های پژوهش ارتباط بین شیوه پرهیزی را با رضایت از ازدواج تأیید نکرد (جدول ۶). برای توجیه این یافته، بررسی دوباره‌ی شیوه‌های دل‌بسته‌گی همسران با در نظر گرفتن ویژه‌گی‌های فردی و اجتماعی این شیوه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

بررسی هم‌بسته‌گی بین شیوه‌های دل‌بسته‌گی همسران نشان می‌دهد که ۹۵ درصد مردان پرهیزی، همسرانی با شیوه‌ی دل‌بسته‌گی پرهیزی داشته‌اند (جدول ۹). در این میان، تنها همسران مردان ایمن، بیش‌تر دارای شیوه‌ی دل‌بسته‌گی پرهیزی بوده‌اند. بنابراین، زنان پرهیزی گروه بررسی‌شده همسرانی پرهیزی و ایمن داشته‌اند. در کنار هم زیستن مردان ایمن و زنان پرهیزی موجب مخدوش شدن یافته‌ی مورد نظر شده‌است؛ زیرا بر پایه‌ی بررسی‌های انجام‌شده، هر چند شیوه‌های دل‌بسته‌گی از کودکی شکل می‌گیرد و در طول تحول کم‌تر تغییر می‌کند، اما نمی‌توان اثرات برآمده از تعدیل شیوه‌های دل‌بسته‌گی را در روابط بین‌فردی همسران نادیده گرفت. در واقع، الگوهای عملی درونی، با وجود مقاومت

نسبت به دگرگونی و انتقال به روابط جدید، تعیین‌کننده‌ی ارزیابی سودمندی موضوع دل‌بسته‌گی در روابط بعدی نیست (بالی، ۱۹۸۰). در این صورت، اگر ارتباط با همسر آرامش‌بخش و ایمن باشد، فرد می‌تواند از آن بنیاد امنی که همراه زنده‌گی‌اش پدید آورده استفاده کند و دل‌آسوده درگیر فعالیت‌های دیگر شود (اِینس‌ورث، ۱۹۹۱).

بنابراین، زیستن با همسری با شیوه‌ی دل‌بسته‌گی ایمن، می‌تواند در بازخوردهای بین‌فردی، بر زوجی با شیوه‌ی دل‌بسته‌گی پرهیزی تأثیر گذارد. بدین سان، رضایت نسبی زنان پرهیزی از ازدواج افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، زنان پرهیزی با مردان پرهیزی نیز ازدواج کرده‌اند و همانندی شیوه‌های دل‌بسته‌گی هر دو، با تعدیل احساس رضایت زنان پرهیزی از زنده‌گی زناشویی، معنادار بودن هم‌بسته‌گی‌ها را کاهش داده‌است.

بررسی ارتباط بین رضایت کلی از ازدواج در آزمودنی‌ها، با شیوه‌ی دل‌بسته‌گی اضطرابی دوسوگرا، ارتباط منفی این شیوه‌ی دل‌بسته‌گی را با رضایت از ازدواج تأیید نمود (جدول ۷). این یافته، با ویژه‌گی‌های افراد اضطرابی دوسوگرا و یافته‌های بررسی‌های پیشین هم‌سو است. داشتن مشکل در حل تعارض و برقراری ارتباط مناسب، فاصله گرفتن عاطفی، و اضطراب در این افراد، موجب می‌شود که کیفیت ارتباط زناشویی منفی ارزش‌گذاری کنند (پیستول، ۱۹۸۹؛ کالینز و رید، ۱۹۹۰؛ فیلی، ۱۹۹۹). بنابراین، بر پایه‌ی این یافته‌ها، هم‌بسته‌گی منفی-رضایت از ازدواج با شیوه‌ی دل‌بسته‌گی اضطرابی دوسوگرا تأیید می‌شود.

بررسی ارتباط مؤلفه‌های سازنده‌ی رضایت کلی از ازدواج با شیوه‌های دل‌بسته‌گی نیز نشان داد که رضایت از ازدواج، ارتباط، و حل تعارض، با دل‌بسته‌گی اضطرابی دوسوگرا هم‌بسته‌گی منفی دارد که تأییدی دوباره بر یافته‌های پیشین است. هم‌بسته‌گی دل‌بسته‌گی پرهیزی و ایمن، با هیچ یک از مؤلفه‌های سازنده‌ی رضایت از ازدواج تأیید نشد (جدول ۸). هم‌چنین، هر سه مؤلفه، می‌بایست هم‌بسته‌گی مثبت با شیوه‌ی دل‌بسته‌گی ایمن، و هم‌بسته‌گی منفی با شیوه‌ی دل‌بسته‌گی پرهیزی می‌داشت؛ اما همان گونه که در گفتار رضایت کلی از ازدواج آمد، روابط زناشویی بر ارتباط دوسویه و برهم‌کنش‌های بین‌فردی پایه‌گذاری شده‌است. بنابراین، ناهم‌سان بودن شیوه‌ی دل‌بسته‌گی افراد ایمن و پرهیزی با همسران‌شان، موجب شده‌است در هیچ یک از موارد، هم‌بسته‌گی معناداری میان شیوه‌های دل‌بسته‌گی ایمن و پرهیزی با مؤلفه‌های رضایت از ازدواج دیده‌نشود (جدول ۸).

با نگاه به یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد مشاوره‌های پیش از ازدواج برای تعیین شیوه‌های دل‌بسته‌گی هر دو زوج، می‌تواند به عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت از ازدواج، نقشی مؤثر در گزینش آگاهانه‌ی همسر داشته‌باشد. از سوی دیگر، برخورداری همسران از مداخلات روان‌شناختی برای گسیل داشتن شیوه‌های دل‌بسته‌گی بزرگ‌سالان از





نالایمن به ایمن، می‌تواند با برطرف ساختن بخشی از مشکلات بین‌فردی آن‌ها، احساس رضایت‌شان را از زنده‌گی افزایش دهد و به پایداری بنیان خانواده کمک کند. افزون بر این، با نگرش به این که این شیوه‌ها از کودکی شکل می‌گیرد، نمی‌توان اهمیت روابط والد-کودک و اثر آن را بر تمامی روابط بزرگ‌سالی نادیده گرفت. بنابراین، بار دیگر بر لزوم برخورداری والدین از خدمات مشاوره‌ئی، در طول تحول فرزندان‌شان تأکید می‌شود. محدودیت‌گزی‌ش نمونه‌ی بررسی‌شده و به‌کارگیری از ابزارهای ارزیابی خارجی که بر مبنای فرهنگی دیگر ساخته‌شده‌است، تعمیم نتایج به‌دست‌آمده را با محدودیت‌هایی روبه‌رو ساخته که امید است در پژوهش‌های آینده از میان برداشته‌شود.

## منابع

- پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دل‌بسته‌گی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. [پایان‌نامه‌ی دکترای روان‌شناسی]. دانشگاه تهران.
- Ainsworth, M. D. S. (1991). Attachments and other affectional bonds across the life cycle. In C. M. Parkae, Stevenson-Hinde, J., & Marris, P. (Eds.), *Attachment Across the Life Cycle* (pp. 33-51). London: Routledge.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and Loss, Vol. 3: Loss, Sadness, and Depression*. New York: Basic Books.
- Brennan, K. A., & Shaver, P. R. (1995). Dimensions of adult attachment, affect regulation, and romantic relationship functioning. *Personality and Social Psychology Bulletin, 21*, 267- 283.
- Butterfield, K. M., & Lewis, M. A. (2002). Health-related social influence: A social ecological perspective on tactic use. *Journal of Social and Personal Relationships, 19*(4), 505-526.
- Campbell, L., Simpson, J. A., Boldry, J., & Kashy, D. A. (2005). Perceptions of conflict and support in romantic relationships: The role of attachment anxiety. *Journal of Personality and Social Psychology, 88*(3).
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology, 58*(4), 644-663.
- Cramer, D. (2002). Linking conflict management behaviors and relational satisfaction: The intervening role of conflict outcome satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships, 19*(3), 425-432.
- DeAngelis, T. (2004). The questions of marriage and community. *Monitor on Psychology, 35*(8), 38.
- Ducharme, J., Doyle, A. B., & Markiewicz, D. (2002). Attachment security with mother and father: Associations with adolescents' reports of interpersonal behavior with parents and peers. *Journal of Social and Personal Relationships, 19*(2), 203-231.
- Feeney, J. A. (1996). Attachment, care giving and marital satisfaction. *Personal Relationships, 3*, 401-416.
- Feeney, J. A. (1999). Adult romantic attachment and couple relationships. In J. Cassidy, & Ph. R. Shaver (Eds.), *Hand Book of Attachment* (pp. 355-378). The Guilford Press.
- Feeney, J. A., Noller, P., & Callan, V. J. (1994). Attachment style, communication, and satisfaction in the early years of marriage. In K. Bartholomew, & D. Pelman (Eds.), *Advances in Personal Relationships, Vol. 5: Attachment Processes in Adulthood* (pp. 269-308). London: Jessica Kingsley.
- Finkenauer, C., & Hazam, H. (2000). Disclosure and secrecy in marriage: Do both contribute to marital satisfaction? *Journal of Social and Personal Relationships, 17*.
- Fisal Fahd, Alg. (1996). The shiftwork and its Impact on Petro-Chemical workers in Saudi Arabia. *Dissertation Abstracts International, Section B: The Sciences and Engineering, 57*(1- B), 0740.
- Fournier, D. G., Olson, D. H., & Druckman, J. M. (1983). Assessing marital and premarital relationships: The PREPARE / ENRICH inventories. In E. E. Filsinger (Ed.), *Marriage and Family Assessment* (pp. 229 - 250). Newbury, CA: Sage Publishing.
- Gillath, O., Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2001, August). *Subliminal Threat-primes Increase the Accessibility of Attachment Figure's Names*. Poster Presented at the Annual Meeting of the American Psychological Association. San Francisco, CA.
- Hazan, C., Zelfman, D., & Middleton, K. (1994). *Adult Romantic Attachment, Affection, and Sex*. Paper Presented at the 7th International Conference on Personal Relationships. Groningen, The Netherlands.
- Hess, J. (2002). Distance regulation in personal relationships: The development of a conceptual model and a test of representational validity. *Journal of Social and personal Relationships, 19*(5), 663-683.



- Johnson, M. D., Cohan, C. L., Davila, J., Lawrence, E., Rogge, R. D., Kamey, B. R., Sullivan, K. T., & Brodbury, T. N. (2005). Problem-solving skills and affective expressions as predictors of change in marital satisfaction. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 73*(1).
- Kaplan, H. I., & Sadock, B. I. J. (1998). Synopsis of psychiatry. *Behavioral Sciences Clinical Psychiatry*.
- Kirkpatrick, L. E., & Hazan, C. (1994). Attachment styles and close relationships: A four year prospective study. *Personal Relationships, 1*, 123-142.
- Kobak, R. R., & Hazan, C. (1991). Attachment in marriage: Effects of security and accuracy of working models. *Journal of Personality and Social Psychology, 60*, 861-869.
- Kurdek, L. (2002). On being insecure about the assessment of attachment styles. *Journal of Social and Personal Relationships, 19*(6), 811-834.
- Miller, A. L., Notaro, P. C., & Zimmerman, M. A. (2002). Stability and change in internal working models of friendship: Associations with multiple domains of urban adolescent functioning. *Journal of Social and Personal Relationships, 19*(2), 233-259.
- Pietromonaco, P. R., & Carnelly, K. B. (1994). Gender and working models of attachment: Consequences for perceptions of self and romantic relationships. *Personal Relationships, 1*, 63-82.
- Pistole, M. C. (1989). Attachment in adult romantic relationships: Style of conflict resolution and relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships, 6*, 505-510.
- Schütz, A. (1999). It was Your Fault! Self-serving blasé sin. *Autobiographical Accounts of Conflict in Married Couples, 16*, (O2).
- Simpson, J. A. (1990). Influence of attachment styles of romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology, 59*, 971-980.
- Shaver, P. R., Hazan, C., & Bradshaw, D. (1988). Love as attachment: The integration of three behavioral systems. In R. J. Strenberg, & M. Barnes (Eds.), *The Psychology of Love* (pp. 68-99). New Haven, CT: Yale University Press.
- Shaver, P. R., & Brennan, K. A. (1992). Attachment styles and the "Big Five" personality traits: Their connections with each other and with romantic relationship outcomes. *Personality and Social Psychology Bulletin, 18*, 536-545.
- Sprecher, S., & McKinney, K. (1993). *Sexuality*. Newbury Park, CA: Sage.
- Terman, L. (1938). *Psychological Factors in Marital Happiness*. New York: McGraw Hill.
- Wie, M., Vogel, D. L., Ku, T.-Y., & Zakalik, R. A. (2005). Adult attachment, affect regulation, negative mood, and interpersonal problems: The mediating roles of emotional reactivity and emotional cut off. *Counseling Psychology, 73*(1), 223-230.
- Weigel, D. J. L., & Ballard-Reisch, D. S. (2002). Investigating the behavioral indicators of relational commitment. *Journal of Social and Personal Relationships, 19*(3), 403-423.
- Weiss, R. S. (1991). The attachment bond in childhood and adulthood. In C. M. Parkes, J. Stevenson-Hinde, & P. Marris (Eds.), *Attachment across the Life Cycle* (pp. 66-76). London: Tavistock, Routledge.
- Zalasky, Z., & Galkowska, M. (1978). Neuroticism & Marital Satisfaction. *Journal of Behavior Research & Therapy, 16*, 285- 287.